

بررسی تاثیر تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

نسترن اباذریپور^۱، محسن اکبری^۲

^۱ کارشناس ارشد مدیریت مالی، موسسه آموزش عالی، قشم، ایران

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، علوم و تحقیقات، بندرعباس، ایران

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور ابتدا به بررسی رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت‌ها و سپس اثر تعدیلی تغییر حسابرس بر این ارتباط پرداخته شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها در گروه پژوهش‌های توصیفی - همبستگی قرار دارد. هم‌چنین، به منظور انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شد که با توجه به شروط در نظر گرفته شده، در نهایت ۱۴۸ شرکت در دوره زمانی ۷ ساله بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ (در مجموع ۱۰۳۶ سال - شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews8 و با استفاده از روش داده‌های پانلی - اثرات ثابت بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، تغییر حسابرس دارای اثر منفی و معکوسی بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تغییر حسابرس، مدیریت سود، هزینه تامین مالی

مقدمه

امروزه اطلاعات ابزاری مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به شمار می‌آید و بدون شک، کیفیت تصمیم‌ها به صحت و دقت اطلاعات موجود بستگی دارد. صورت‌های مالی مهم‌ترین منبع اشخاص برون‌سازمانی به ویژه سرمایه‌گذاران در دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است. در این بین، صورت سود و زیان با ارائه اطلاعات مفید درباره توان سودآوری واحدهای تجاری، توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران را به خود جلب نموده است. از طرفی اعمال قضاوت توسط مدیران در تهیه صورت‌های مالی، نگرانی‌هایی را در مورد قابلیت اتکاء سود حسابداری ایجاد کرده است. چنانچه مدیران از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه‌گزینش‌های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه‌هایی برای همراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی داشته باشند، احتمال دستکاری یا مدیریت سود وجود دارد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). هر روزه خبرهای زیادی از بحران‌های مالی در شرکت‌های سهامی منتشر می‌شود؛ تحلیل‌گران مسائل مالی عمده‌ترین پیامدهای این بحران‌ها را عدم بازپرداخت تسهیلات دریافتی از اعتباردهندگان و فروش اجباری سهام توسط سرمایه‌گذاران می‌دانند که موجب می‌شود زیان عمده‌ای بر آن‌ها تحمیل شود. این زیان به این دلیل است که اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران به واسطه‌ی دستکاری سود توسط مدیران (مدیریت سود) درک صحیحی از وضعیت و شرایط مالی شرکت نداشته‌اند (تسای و چی یو^۱، ۲۰۰۹). مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران برای منحرف کردن گزارش‌های مالی از قضاوت‌های خود در گزارشگری مالی و ساختار معاملات استفاده می‌کنند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت یا تفسیر نتایج وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده، گمراه کنند (هیالی و واهلن^۲، ۱۹۹۹). مدیران شرکت‌ها برای دستکاری سود از دو روش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود استفاده می‌کنند. در حالت اول، مدیریت از طریق دستکاری ارقام تعهدی به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. در این روش، مدیر بوسیله تسریع در شناخت درآمدها و تاخیر در شناخت هزینه‌ها، به منظور ارائه عملکردی بهتر در دوره جاری، اقدام به مدیریت سود می‌کند. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیم‌های عملیاتی و به عبارت دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت واقعی سود روی می‌آورد و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). واحدهای تجاری جهت تداوم فعالیت‌های خود نیازمند سرمایه در گردش و به منظور توسعه فعالیت‌ها و افزایش سودآوری ناچار به سرمایه‌گذاری جدید می‌باشند. این دو نیاز واحد تجاری، به واسطه تأمین مالی مرتفع می‌گردد. تأمین مالی از دو روش انتشار اوراق سهام و ایجاد بدهی امکانپذیر است. به کارگیری هر یک از این منابع یا ترکیبی از هر دو نشان‌دهنده‌ی الگوی ساختار سرمایه شرکت است. هریک از روش‌های تأمین مالی دارای مزایا و معایب خاص خود می‌باشند، استفاده از منبع حقوق صاحبان سهام، معمولاً موجب کاهش بازده سهام می‌شود و راهکار ایجاد بدهی، علیرغم اینکه در ابتدا ارزش شرکت را افزایش می‌دهد (شیخی، ۱۳۹۳). ساختار سرمایه شرکت عمدتاً متشکل از سهام و بدهی است. این منابع منجر به تضاد منافع در سازمان می‌شوند که از عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان ناشی می‌شود. نظریه سازمان، چارچوب مفیدی را برای توضیح ساختار سرمایه‌ای شرکت ارائه می‌کند. در حقیقت انتشار سهام و اوراق قرضه، هزینه‌هایی را برای سازمان به بار می‌آورند که به ترتیب از عدم تقارن اطلاعاتی میان سهامداران و مالکان و یا مدیران و اعتباردهندگان سرچشمه می‌گیرند (شیخی، ۱۳۹۳). انتخاب حسابرس یک تصمیم مهم در عمر شرکت است و تصمیم به تغییر حسابرس نباید با بی‌دقتی انجام شود. صاحبکار در صورتی تصمیم به تغییر حسابرس می‌گیرد که یکی (یا تعداد بیشتری) از ویژگی‌های مربوط به انتخاب حسابرس تغییر کند. فرانسویس و ویلسن فرایند تغییر حسابرس را به دو مرحله

¹ Tsai and Yu Chi² Hyaly and Vahlm

تقسیم می کنند، زیرا دلایل مربوط به کنارگذاری حسابرس قبلی ممکن است ربطی به معیارهای خاص مورد استفاده در انتخاب حسابرس جدید نداشته باشد. در مرحله اول، شرکت تصمیم به تغییر حسابرس می گیرد و در مرحله بعد، حسابرس جدید را انتخاب می کند. تغییر حسابرس نتیجه تغییر در شرایط شرکت یعنی عواملی که به عملکرد موسسه حسابرسی قبلی ربط ندارد) مانند تغییر در مدیریت عالی یا عدم توافق و مسائل خاصی باشد (غلامحسین، شهلا، ۱۳۹۲).

با توجه به مباحث مطرح شده ما بدنبال بررسی تاثیر تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستیم. امید است نتایج این پژوهش برای کلیه مدیران شرکت ها و سرمایه گذاران مفید و مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مدیریت سود یکی از موضوعات بحث برانگیز در ادبیات حسابداری و مالی قلمداد می شود که در جهت اثبات این ادعا می توان به تحقیقات بسیاری که درباره مدیریت سود انجام گرفته اشاره نمود. فلسفه مدیریت سود، بهره گیری از انعطاف پذیری روش های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری، می باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می توان از روش های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می باشد. این انعطاف پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف پذیر است، یکپارچگی داده های ارائه شده در صورت های مالی کمتر می شود (نورش و همکاران، ۱۳۸۴). اغلب ادبیات مدیریت سود، بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاکید دارند. مدیریت سود واقعی با تغییر در زمان بندی یا ساختار فعالیت های واقعی واحد تجاری همراه است. لذا پژوهشگران در مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود واقعی، به دنبال شناسایی سطوح غیرعادی فعالیت های واحد تجاری هستند. فعالیت های متفاوت مدیریت سود واقعی می تواند نتایج معکوس و متفاوتی بر جریان های نقد دوره جاری داشته باشد. برای مثال، اگرچه کاهش هزینه های اختیاری و تولید بیش از حد در دوره جاری، از جمله فعالیت های مدیریت واقعی سود در جهت افزایش سود جاری است، ولی کاهش هزینه های اختیاری (در صورت پرداخت نقدی این هزینه ها) می تواند جریان های نقد دوره جاری را افزایش دهد. در حالی که تولید بیش از اندازه در سطح فروش ثابت و معین، جریان های نقد دوره جاری را کاهش می دهد. افزون بر این، برخی از فعالیت های مدیریت سود واقعی نظیر تسریع در فروش از طریق اعطای تخفیفات یا شرایط اعتباردهی مناسب به منظور افزایش سود جاری می تواند جریان های نقد دوره جاری را کاهش دهد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

تأمین مالی از طریق بدهی به علت صرفه جویی مالیاتی و نرخ پایین تر آن در مقایسه با بازده مورد انتظار سهامداران، راه حل مطلوب تری برای تأمین مالی محسوب می شود. اما آنچه برای اعتباردهندگان در خصوص اعطای وام و اعتبار اهمیت دارد، توان پرداخت اصل و بهره وام و اعتبارات پرداختی توسط وام گیرنده می باشد (امیری و همکاران، ۱۳۹۱) پژوهش های زیادی درباره تصمیمات مالی شرکت ها و همچنین عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه شرکت ها انجام شده است. فعالیت ها و کارهای تئوریک زیادی انتخاب بین تأمین مالی از طریق بدهی و یا سهام سرمایه توسط شرکت هایی که حد مطلوب نسبت بدهی را با توجه به اصل هزینه و منفعت انتخاب می کنند، توصیف کرده است. به طور سنتی صرفه جویی مالیاتی ناشی از کسر هزینه بهره از سود به عنوان اولین مزیت تأمین مالی از طریق اعتبارگیری مدلسازی و ارائه شده است (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۳). سایر مزایای بدهی شامل متعهد شدن مدیریت به مؤثر و با کیفیت عمل کردن و همچنین سرگرم کردن و مشغول کردن

اعتباردهندگان به مراقبت و نظارت بر شرکت است (جنسن^۳، ۱۹۷۶)، نماینده بدهی، از طرفی نیز هزینه بدهی نشان دهنده فشار وضعیت مالی (اسکات^۴، ۱۹۷۶)، و تضاد نمایندگی بین مدیران و سرمایه گذاران و اعتباردهندگان یا بین گروه های مختلف سرمایه گذاران است (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۳). اما هنگامی که سرمایه گذاران مشغول تصمیم برای سرمایه گذاری در شرکت ها و موسسات هستند، اعتباردهندگان منحنی ریسک شرکت را ارزیابی می کنند. این منحنی ریسک بازده مورد انتظار اعتباردهندگان را تعیین می کند که این همان هزینه بهره شرکت است (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۳). حسابرسی برون سازمانی از طریق اعتباردهی به صورت های مالی منتشر شده برای عموم، عملیات کارای بازارهای سرمایه را تسهیل می کند. اما افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری و حسابداری، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران است، در صورت وجود مجادله بین حسابرس و صاحبکار، مدیریت ممکن است از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرس، وی را مجبور به پذیرش رویه های حسابداری کند. در صورتی که مدیریت در انجام این کار موفق نشود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرس را بر کنار کرده و حسابرس انعطاف پذیرتری جستجو کند. از این رو، انتقادهایی وجود دارد مبنی بر این که افزایش تغییر حسابرس، به توانایی حسابرس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت های مالی صدمه می زند. این انتقادات بر اساس این عقیده قرار دارد که تغییر حسابرس باعث کاهش استقلال حسابرس و صاحبکار و در نتیجه بی اعتبار شدن صورت های مالی می شود. از سوی دیگر، مقامات قانون گذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرس، اعتماد استفاده کنندگان به کلیه صورت های مالی و نه فقط صورت های مالی شرکت های تغییر دهنده حسابرس، را کاهش دهد و منجر به واکنش سهامداران در بازار سرمایه شود. نصیری و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی اثر راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و سیاست های تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که استقلال هیات مدیره یک تاثیر منفی و معنی دار و استقلال حسابرس یک تاثیر مثبت و معنی دار بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و مدیریت سود دارد. ولی مالکیت نهادی تاثیر معنی داری بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و مدیریت سود ندارد. کاشانی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی جبهه گیری مدیریت و مدیریت سود پرداخته است. نتایج پژوهش گویای آن است که جبهه گیری مدیریت بر رفتار فرصت طلبانه اثرگذار است. هم چنین نتایج نشان دادند که جبهه گیری مدیریت بر مدیریت سود واقعی، به طور معنی دار اثرگذار نیست. و در نهایت هم نشان داده شد که اثر رفتارهای انحرافی مدیریت بر ارزش شرکت در زمانی که جبهه گیری مدیریت متمرکز باشد، کمتر است. احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی مدیریت سود در شرکت های بورسی و شرکت های غیر بورسی تابعه آن ها پرداختند. نتایج نشان می دهد که بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری (براساس هر سه مدل به کار رفته) و جهت مدیریت سود (رو به بالا) رابطه معناداری وجود ندارد. یافته های پژوهش می تواند بیانگر آن باشد که به این دلیل که صورت های مالی شرکت های غیربورسی تابعه شرکت های بورسی در سایت کدال در دسترس همگان قرار می گیرد، انگیزه های حسابرسان و مدیران این شرکت ها همانند شرکت های بورسی می باشد. با تو کوئیب و جابویی (۲۰۱۶)، در مقاله ای تحت عنوان مدیریت سود واقعی در شرکت های نوآور: آیا پروفایل مدیران تفاوت ایجاد می کند؟ به بررسی مدیریت سود در بین شرکت های اروپایی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می دهد ویژگی های روانشناختی و جمعیت شناختی به طور مثبت و معناداری با مدیریت سود واقعی در شرکت های نوآور رابطه دارد. مغانی و محمدی^۵ (۲۰۱۶)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان حاکمیت شرکتی و

³ Jensen

⁴ Scott

⁵ Moghany and Mohammady

هزینه بدهی طبق نرم افزار SPSS در شرکت های پذیرفته شده در بورس سهام تهران پرداختند. طبق نتایج، اعضای غیراجرایی هیئت مدیره اثر معناداری بر رضایت روابط اطلاعاتی داشتند. تمامی ابعاد حاکمیت شرکتی (سهامدار نهادی، اعضای غیراجرایی، دوگانگی CEO) به صورت معنادار با هزینه بدهی مرتبط هستند. هردو بعد حاکمیت شرکتی (سهامدار کنترلی، اندازه هیئت مدیره) به صورت معنادار با هزینه بدهی مرتبط نیستند. نوردینا و هرلینا^۶ (۲۰۱۵)، در مقاله ای به تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر انگیزه های مدیریت سود در شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی پرداختند. نتایج نشان می دهد بازده دارایی ها دارای ارتباط معناداری با مدیریت سود نمی باشد. علاوه بر این، بدهی (اهرم) و هزینه های سیاسی (اندازه شرکت) دارای ارتباط مثبت و معناداری با مدیریت سود می باشد.

روش تحقیق

تحقیق بر منبای هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. همچنین تحقیق حاضر از لحاظ روش و ماهیت از نوع همبستگی است. یعنی بررسی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون، و روش شناسی تحقیق از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که از سال ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶ در بورس فعال بوده اند. تعداد شرکت های فعال در بورس در این مقطع زمانی ۵۱۶ شرکت بوده است. با توجه به حجم نمونه بالا و دستیابی به یک حجم نمونه مناسب از روش غربالگری استفاده می کنیم. حجم نمونه با توجه به روش غربالگری (حذف سیستماتیک) برابر با ۱۴۸ شرکت در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۳۱: نمونه گیری به روش غربالگری

| | | |
|-----|-------|--|
| ۵۱۶ | | تعداد شرکت هایی که تا سال ۱۳۹۶ در بورس حضور داشتند |
| | (۱۴۱) | تعداد شرکت های که از سال ۱۳۹۰ از بورس حذف یا وارد فرابورس شدند |
| | (۶۹) | تعداد شرکت هایی که عضو شرکت های بخش مالی و خدماتی و بیمه و بانک ها و هلدینگ و ... بوده اند |
| | (۷۴) | تعداد شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها منتهی به ۱۲/۲۹ نبوده است |
| | (۶۵) | شرکت ها نباید در ۶ ماه متوالی توقف معاملاتی داشته باشند. |
| ۱۴۸ | (۱۹) | تعداد شرکت هایی که اطلاعات مورد نیاز تحقیق آن ها در بازه زمانی در دسترس نبوده است یا ناقص بوده است |

با توجه به نتایج به دست آمده، نمونه آماری پژوهش شامل ۱۴۸ شرکت در دوره زمانی ۷ ساله بین سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ می باشد که در مجموع تشکیل ۱۰۳۶ سال- شرکت را می دهند. در این پژوهش به پیروی از پایوت و همکاران (۲۰۰۷) برای اندازه گیری متغیر هزینه تامین مالی از طریق بدهی شرکت ها از نسبت هزینه های بهره تقسیم بر میانگین بدهی های مالی شرکت ها در دوره بررسی استفاده شده است. یکی از مدل های معروف برای اندازه گیری مدیریت سود شرکت ها، مدل کوتاری (۲۰۰۵) می باشد که در پژوهش حاضر استفاده شده است. این مدل به اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری شرکت ها می پردازد و به صورت زیر تعریف می شود:

(۱)

⁶ Nurdiniah and Herlina

$$TA_{it}/A_{i,t-1} = \beta_1 \left(1/A_{i,t-1} \right) + \beta_2 \Delta REV_{it}/A_{i,t-1} + \beta_3 PPE_{it}/A_{i,t-1} + \beta_4 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

TA_{it} : اقلام تعهدی کل که برابر است اختلاف بین درآمد خالص و جریانات نقدی عملیاتی شرکت i در سال t .

$A_{i,t-1}$: دارایی کل اول دوره شرکت i در سال t .

ΔREV_{it} : تغییر سالانه در درآمدهای شرکت i در سال t .

PPE_{it} : اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t .

$ROA_{i,t-1}$: بازده دارایی های اول دوره (سود خالص جاری تقسیم بر دارایی کل اول دوره) شرکت i در سال t .

ε_{it} : قدرمطلق باقیمانده مدل رگرسیونی که به عنوان شاخص اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری شرکت براساس مدل کوتاری (۲۰۰۵) استفاده شده است.

به پیروی از کاربلا و همکاران (۲۰۱۵) چرخش حسابرس یک متغیر ساختگی در نظر گرفته می شود که وقتی موسسه حسابرس خود را تغییر دهد برابر است با یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

در این بخش به پیروی از پایوت و همکاران (۲۰۰۷) و کاربلا و همکاران (۲۰۱۵) از متغیرهای کنترلی زیر بهره گرفته شده است. این متغیرها در ادامه تعریف عملیاتی شده اند:

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی کل شرکت در پایان سال مالی.

بازده دارایی ها (ROA): برابر است با نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی کل شرکت در پایان سال مالی.

نسبت جاری (CURRENT): برابر است با نسبت دارایی جاری به بدهی جاری شرکت در پایان سال مالی.

اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت بدهی کل به دارایی کل شرکت در پایان سال مالی.

دارایی های ثابت (FIX): برابر است با نسبت ارزش دفتری اموال، ماشین آلات و تجهیزات (دارایی های ثابت) به دارایی کل شرکت در پایان سال مالی.

رشد فروش (SGR): برابر است با درصد افزایش فروش (فروش شرکت منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل) شرکت در پایان سال مالی.

زیان (LOSS): متغیر ساختگی که در صورتی که شرکت در دوره جاری زیان داده باشد یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

در فرضیه اول پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است که برای این منظور از مدل رگرسیونی (۲) بهره گرفته شده است. در این مدل در صورت تایید معناداری ضریب (β_1) می توان پذیرفت که فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد مورد تایید قرار گرفته است. به این ترتیب داریم:

(۲)

$$FIN_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 CURRENT_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 FIX_{it} + \beta_7 SGR_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

در فرضیه دوم پژوهش اثر تعدیلی تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است که برای این منظور از مدل رگرسیونی (۳) استفاده شده است. در این مدل، در صورت تایید معناداری ضریب (β_3) می توان پذیرفت که فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفته است. به این ترتیب داریم:

(۳)

$$FIN_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 ACH_{it} + \beta_3 EM_{it} * ACH_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 CURRENT_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 FIX_{it} + \beta_9 SGR_{it} + \beta_{10} LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

در بخش مباحث نظری، اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به کتب تخصصی این حوزه و نیز بررسی مقالات به روز در سایت های معتبر داخلی و خارجی جمع آوری شده است. در بخش داخلی از مجلاتی همانند مجله پژوهش های حسابداری، نشریه علمی پژوهشی تحقیقات مالی، فصلنامه حسابداری مالی و ... بهره گرفته شده و در بخش خارجی همانند Scencedirect، Emerald و Springer مورد توجه بوده است. علاوه بر این، داده های مورد نیاز جهت محاسبه هر یک از متغیرهای پژوهش، از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. برای بررسی فرضیه ها از روش های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews8 و با استفاده از روش داده های پانلی-اثرات ثابت بهره گرفته شده است.

نتایج

خلاصه آمار توصیفی در پژوهش حاضر در جدول ۲ آمده است که شامل پارامترهای میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار می باشد. مقادیر به دست آمده برای پارامترهای میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان می دهد داده ها از همگنی مناسبی برخوردار می باشند. تعداد کل شرکت های نمونه پژوهش ۱۴۸ شرکت در دوره زمانی ۷ ساله بین سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ می باشد که در مجموع تشکیل ۱۰۳۶ سال- شرکت را می دهند.

جدول ۲- آماره های توصیفی متغیرها

| پارامتر/متغیر | نماد | میانگین | میانه | حداکثر | حداقل | انحراف معیار |
|------------------|---------|----------|----------|----------|-----------|--------------|
| هزینه تامین مالی | FIN | 0.067080 | 0.060669 | 0.221601 | 0.000464 | 0.044772 |
| مدیریت سود | EM | 0.087764 | 0.062091 | 0.893641 | 0.000164 | 0.091890 |
| تغییر حسابرس | ACH | 0.326255 | 0.000000 | 1.000000 | 0.000000 | 0.469068 |
| اندازه شرکت | SIZE | 14.24031 | 14.02078 | 19.37431 | 10.16654 | 1.624489 |
| بازده دارایی ها | ROA | 0.135845 | 0.112394 | 0.674791 | -0.297729 | 0.143947 |
| نسبت جاری | CURRENT | 1.501371 | 1.289755 | 10.84974 | 0.222593 | 1.004876 |
| اهرم مالی | LEV | 0.565851 | 0.575530 | 0.996719 | 0.046905 | 0.187648 |
| دارایی های ثابت | FIX | 0.254299 | 0.217634 | 0.801112 | 0.003789 | 0.172899 |
| رشد فروش | SGR | 0.197529 | 0.147526 | 4.651397 | -0.972221 | 0.414022 |

| | | | | | | |
|----------|----------|----------|----------|----------|------|-----------|
| 0.291453 | 0.000000 | 1.000000 | 0.000000 | 0.093629 | LOSS | زیان شرکت |
|----------|----------|----------|----------|----------|------|-----------|

برای بررسی ریشه واحد، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده و نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آزمون مانایی متغیرها

| دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) | | | |
|-----------------------------|---------|-------------|------------|
| متغیر | نماد | آماره آزمون | سطح احتمال |
| هزینه تامین مالی | FIN | -10.96434 | 0.0000 |
| مدیریت سود | EM | -26.61511 | 0.0000 |
| تغییر حسابرس | ACH | -13.03307 | 0.0000 |
| اندازه شرکت | SIZE | -8.930303 | 0.0000 |
| بازده دارایی ها | ROA | -14.96366 | 0.0000 |
| نسبت جاری | CURRENT | -11.12846 | 0.0000 |
| اهرم مالی | LEV | -12.93771 | 0.0000 |
| دارایی های ثابت | FIX | -11.09681 | 0.0000 |
| رشد فروش | SGR | -25.34162 | 0.0000 |
| زیان شرکت | LOSS | -22.55058 | 0.0000 |

فرض صفر در آزمون های فوق، بیانگر نامانایی متغیرها است. لذا، چنانچه مقدار آماره محاسبه شده، بزرگ تر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج باشد، فرض صفر مبتنی بر نامانایی رد می شود. با توجه به میزان سطح احتمال مندرج در جدول فوق، فرض صفر مبنی بر نامانای بودن متغیرهای پژوهش رد می شود. از این رو، تمامی متغیرهای مورد استفاده فاقد ریشه واحد بوده و ایستا (مانا) می باشند.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۴ ارائه شده اند. همان گونه که مشاهده می شود در برخی موارد همبستگی معنی داری وجود دارد. هم چنین، در برخی موارد اندک بین متغیرهای زوجی همبستگی معنی داری قابل مشاهده است؛ اما این همبستگی ها قوی نیستند و ایجاد هم خطی نمی کنند. به عبارت بهتر در ادامه تحلیل ها از نظر بررسی روابط بین متغیرها مشکل محتوایی وجود ندارد؛ زیرا اگر همبستگی قوی بین متغیرهای توضیحی مدل وجود داشته باشد، منجر به بروز هم خطی شده و بررسی روابط در چنین حالتی نادرست خواهد بود.

جدول ۴- آزمون همبستگی متغیرها

| | FIN | EM | ACH | SIZE | ROA | CURRE NT | LEV | FIX | SGR | LOSS |
|-------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|--------------|------|
| FIN | 1.000 000 | | | | | | | | | |
| EM | 0.015 608 | 1.000 000 | | | | | | | | |
| | 0.615 8 | ----- | | | | | | | | |
| ACH | - 0.052 928 | - 0.043 797 | 1.000 000 | | | | | | | |
| | 0.088 6 | 0.158 9 | ----- | | | | | | | |
| SIZE | 0.059 861 | - 0.114 649 | - 0.060 521 | 1.000 000 | | | | | | |
| | 0.054 1 | 0.000 2 | 0.051 5 | ----- | | | | | | |
| ROA | - 0.284 057 | 0.082 678 | - 0.038 326 | 0.106 060 | 1.000 000 | | | | | |
| | 0.000 0 | 0.007 8 | 0.217 7 | 0.000 6 | ----- | | | | | |
| CURRE NT | - 0.270 352 | 0.142 460 | 0.021 268 | - 0.143 780 | 0.358 386 | 1.00000 0 | | | | |
| | 0.000 0 | 0.000 0 | 0.494 1 | 0.000 0 | 0.000 0 | ----- | | | | |
| LEV | 0.426 450 | - 0.007 915 | - 0.051 499 | 0.050 725 | - 0.527 209 | - 0.61512 0 | 1.000 000 | | | |
| | 0.000 0 | 0.799 1 | 0.097 6 | 0.102 7 | 0.000 0 | 0.0000 | ----- | | | |
| FIX | - 0.153 892 | - 0.109 719 | 0.022 496 | - 0.041 629 | - 0.082 843 | - 0.28303 4 | - 0.072 885 | 1.000 000 | | |
| | 0.000 0 | 0.000 4 | 0.469 5 | 0.180 6 | 0.007 6 | 0.0000 | 0.019 0 | ----- | | |
| SGR | - 0.050 776 | 0.166 934 | - 0.086 895 | - 0.006 818 | 0.233 539 | 0.17750 6 | - 0.085 080 | - 0.017 216 | 1.000 000 | |
| | 0.102 4 | 0.000 0 | 0.005 1 | 0.826 5 | 0.000 0 | 0.0000 | 0.006 1 | 0.579 9 | ----- | |

| | | | | | | | | | | |
|------|--------------|--------------|--------------|-------------------|-------------------|-------------------|--------------|--------------|-------------------|--------------|
| LOSS | 0.104 592 | 0.055 398 | 0.066 103 | - 0.099 197 | - 0.481 029 | - 0.14867 5 | 0.232 352 | 0.089 664 | - 0.155 147 | 1.000 000 |
| | 0.000 7 | 0.074 7 | 0.033 4 | 0.001 4 | 0.000 0 | 0.0000 | 0.000 0 | 0.003 9 | 0.000 0 | ---- |

در این بخش، مدل های رگرسیونی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند. برای انتخاب بین روش داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آماره آزمون لیمر استفاده شده است. با توجه به مقدار F گزارش شده در جدول ۵، فرض صفر مبنی بر انتخاب روش داده های تلفیقی و اولویت آن نسبت به داده های تابلویی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. بنابراین، باید از روش داده های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. هم چنین، نتایج به دست آمده برای آزمون هاسمن دارای سطح معناداری بالاتر از خطای ۵ درصد است که نشان از روش اثرات ثابت نسبت به تصادفی دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

| نتیجه | سطح معناداری | درجه آزادی | آماره | آزمون |
|-----------------|--------------|------------|-----------|-----------------|
| پانلی (تابلویی) | 0.0000 | (147,880) | 14.819442 | چاو (F لیمر) |
| اثرات ثابت | 0.0000 | 8 | 34.384673 | هاسمن |

با توجه به نتایج آزمون چاو (F لیمر)، مدل پژوهش با استفاده از روش پانلی - اثرات تصادفی برآورد گردید و نتایج آن در جدول ۶ منعکس شده است. یادآوری این نکته ضروری است که پیش فرض های رگرسیون شامل ناهمسانی واریانس توزیع جزء خطا نیز بررسی شد و نتیجه این آزمون ها نشان داد مشکل خاصی برای اجرای مدل های مورد نظر جهت آزمون فرضیه تحقیق وجود ندارد. نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تایید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. از آن جا که این مقدار نزدیک به مقدار تجربی ۲ قرار دارد می توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت. مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. نتایج به دست آمده برای سطح معناداری آزمون بروش-پاگان که جهت بررسی عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین اجزای خطا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، بالاتر از ۰/۰۵ می باشد که بیانگر عدم رد فرضیه مخالف مبنی بر همسانی واریانس در بین اجزای خطای مدل می باشد. از این رو می توان پذیرفت که مفروضات اولیه رگرسیون برقرار بوده و نتایج مدل در تعیین اثرات قابل استناد است. در نهایت، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. هم چنین، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۲۹ درصد از تغییرات موجود در پرداخت به مدیران شرکت های نمونه در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل ها تبیین می گردد.

جدول ۶- نتایج آماری آزمون مدل رگرسیونی اول

| $FIN_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 CURRENT_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 FIX_{it} + \beta_7 SGR_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|--|-----------|---------------|----------|----------|
| متغیر | ضریب | آماره تی | معناداری | هم خطی |
| C | 0.272503 | 6.117110 | 0.0000 | - |
| EM | 0.140897 | 3.360712 | 0.0008 | 1.085944 |
| SIZE | 0.011329 | 4.801426 | 0.0000 | 1.075055 |
| ROA | -0.413325 | -11.88759 | 0.0000 | 1.832875 |
| CURRENT | -0.042935 | -8.072550 | 0.0000 | 2.090047 |
| LEV | 0.726496 | 24.40862 | 0.0000 | 2.282448 |
| FIX | -0.436736 | -18.14723 | 0.0000 | 1.266873 |
| SGR | 0.115136 | 1.220018 | 0.2225 | 1.117035 |
| LOSS | -0.032743 | -2.235634 | 0.0254 | 1.333226 |
| ضریب تعیین تعدیل شده | 0.733323 | دوربین واتسون | 1.810965 | |
| آماره F | 19.36192 | معناداری | 0.000000 | |
| بروش-پاگان | 6.782578 | معناداری | 0.5603 | |

➤ سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل مدیریت سود (EM) در مدل دارای مقداری پایین تر از خطای ۵ درصد می باشد که به این ترتیب می توان پذیرفت بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی رابطه معناداری وجود دارد. بیشتر اینکه، ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مدیریت سود شرکت ها مثبت است که نشان می دهد با افزایش مدیریت سود، هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز افزایش پیدا کرده است (تایید فرضیه اول پژوهش).

➤ نتایج به دست آمده برای متغیرهای کنترلی نشان می دهد رابطه مثبت و معناداری بین اندازه شرکت و اهرم مالی و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد و این ارتباط برای بازده دارایی ها، نسبت جاری و دارایی های ثابت منفی و معنادار به دست آمد. ضمن اینکه رابطه ای بین رشد فروش و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دست نیامد.

در این بخش، مدل های رگرسیونی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند. برای انتخاب بین داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آماره آزمون لیمر استفاده شده است. با توجه به مقدار F گزارش شده در جدول ۷، فرض صفر مبنی بر انتخاب روش داده های تلفیقی و اولویت آن نسبت به داده های تابلویی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. بنابراین، باید از روش داده های پانلی (تابلویی) استفاده کرد. هم چنین، نتایج به دست آمده برای آزمون هاسمن دارای سطح معناداری بالاتر از خطای ۵ درصد است که نشان از روش اثرات ثابت نسبت به تصادفی دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

| آزمون | آماره | درجه آزادی | سطح معناداری | نتیجه |
|--------------|-----------|------------|--------------|-----------------|
| چاو (F لیمر) | 14.776119 | (147,878) | 0.0000 | پانلی (تابلویی) |
| هاسمن | 34.783482 | 10 | 0.0001 | اثرات ثابت |

با توجه به نتایج آزمون چاو (F لیمر)، مدل پژوهش با استفاده از روش پانلی - اثرات تصادفی برآورد گردید و نتایج آن در جدول ۸ منعکس شده است. یادآوری این نکته ضروری است که پیش فرض های رگرسیون شامل ناهمسانی واریانس توزیع جزء خطا نیز بررسی شد و نتیجه این آزمون ها نشان داد مشکل خاصی برای اجرای مدل های مورد نظر جهت آزمون فرضیه تحقیق وجود ندارد. نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تایید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. از آن جا که این مقدار نزدیک به مقدار تجربی ۲ قرار دارد می توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت. مقادیر شاخص تورم واریانس که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. نتایج به دست آمده برای سطح معناداری آزمون بروش-پاگان که جهت بررسی عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین اجزای خطا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، بالاتر از ۰/۰۵ می باشد که بیانگر عدم رد فرضیه مخالف مبنی بر همسانی واریانس در بین اجزای خطای مدل می باشد. از این رو می توان پذیرفت که مفروضات اولیه رگرسیون برقرار بوده و نتایج مدل در تعیین اثرات قابل استناد است. در نهایت، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. هم چنین، ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد بیش از ۷۳ درصد از تغییرات موجود در هزینه تامین مالی شرکت های نمونه در دوره بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل ها تبیین می گردد.

جدول ۸- نتایج آماری آزمون مدل رگرسیونی دوم

| $FIN_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 ACH_{it} + \beta_3 EM_{it} * ACH_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 CURRENT_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 FIX_{it} + \beta_9 SGR_{it} + \beta_{10} LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|---|-----------|---------------|----------|----------|
| متغیر | ضریب | آماره تی | معناداری | هم خطی |
| C | 0.294654 | 6.567632 | 0.0000 | - |
| EM | 0.119520 | 2.864475 | 0.0042 | 1.531857 |
| ACH | -0.043441 | -3.984849 | 0.0001 | 1.915801 |
| EM*ACH | -0.035017 | -2.390043 | 0.0169 | 2.286825 |
| SIZE | 0.010862 | 4.600532 | 0.0000 | 1.077871 |
| ROA | -0.416061 | -11.97108 | 0.0000 | 1.833804 |
| CURRENT | -0.042307 | -7.937701 | 0.0000 | 2.101676 |
| LEV | 0.723574 | 24.21423 | 0.0000 | 2.303628 |
| FIX | -0.434474 | -18.03613 | 0.0000 | 1.270940 |
| SGR | 0.085931 | 0.908761 | 0.3635 | 1.122927 |
| LOSS | -0.029511 | -2.013559 | 0.0441 | 1.336829 |
| ضریب تعیین تعدیل شده | 0.732984 | دوربین واتسون | 1.815173 | |
| آماره F | 19.09659 | معناداری | 0.000000 | |
| بروش-پاگان | 9.682628 | معناداری | 0.4688 | |

➤ سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر مدیریت سود*تغییر حسابر س (EM*ACH) در مدل دارای مقداری پایین تر از خطای ۵ درصد می باشد که به این ترتیب می توان تغییر حسابر س بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی تاثیر دارد. بیشتر اینکه، ضریب به دست آمده برای متغیر تعدیل گر مدیریت سود*تغییر حسابر س شرکت ها منفی است که نشان می دهد با تغییر حسابر س، رابطه مستقیم بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت ها کاهش پیدا می کند (تایید فرضیه دوم پژوهش).

➤ نتایج به دست آمده برای متغیرهای کنترلی نشان می دهد رابطه مثبت و معناداری بین اندازه شرکت و اهرم مالی و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد و این ارتباط برای بازده دارایی ها، نسبت جاری و دارایی های ثابت منفی و معنادار به دست آمد. ضمن اینکه رابطه ای بین رشد فروش و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دست نیامد.

نتیجه‌گیری

در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل مدیریت سود در مدل دارای مقداری پایین تر از خطای ۵ درصد می باشد که به این ترتیب می توان پذیرفت بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی رابطه معناداری وجود دارد. بیشتر اینکه، ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل مدیریت سود شرکت ها مثبت است که نشان می دهد با افزایش مدیریت سود، هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز افزایش پیدا کرده است. به این ترتیب، می توان پذیرفت که با افزایش مدیریت سود، هزینه تامین مالی از طریق بدهی شرکت افزایش پیدا می کند. در این ارتباط می توان چنین استدلال کرد که مدیریت سود یکی از فعالیت هایی است که می تواند دیدگاه بازار را نسبت به شرکت ها منفی سازد. زمانی که شرکت ها به دستکاری سود روی می آورند، عدم تقارن اطلاعاتی بین دورن و بیرون سازمان افزایش پیدا می کند که این موضوع از دیدگاه بازار چندان مطلوب نمی باشد. در این بین، اعتباردهندگان و تامین کنندگان مالی شرکت ها که نقش مهمی در سرمایه گذاری شرکت ها دارند، کمتر به شرکت های دارای کیفیت پایین اعتماد کرده و با افزایش هزینه های مالی می توانند برای شرکت ها مشکل ساز شوند. موردی که بایستی از سوی مدیران شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد توجه قرار گیرد. به هر ترتیب، افزایش مدیریت سود می تواند با افزایش عدم اطمینان بازار به مدیران همراه باشد که در نتیجه هزینه تامین مالی از طریق بدهی شرکت را افزایش می دهد. این یافته ها سازگار با نتایج پژوهش پاک مرام و همکاران (۱۳۹۵) و تاناکا (۲۰۱۴) می باشد.

در فرضیه دوم پژوهش به بررسی اثر تعدیلی تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیر تعدیل گر مدیریت سود* تغییر حسابرس در مدل دارای مقداری پایین تر از خطای ۵ درصد می باشد که به این ترتیب می توان تغییر حسابرس بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی تاثیر دارد. بیشتر اینکه، ضریب به دست آمده برای متغیر تعدیل گر مدیریت سود* تغییر حسابرس شرکت ها منفی است که نشان می دهد با تغییر حسابرس، رابطه مستقیم بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت ها کاهش پیدا می کند. در ارتباط با نتیجه به دست آمده برای فرضیه دوم می توان چنین استدلال کرد که حسابرسان نقش مهمی در کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها دارند. زمانی که دوران تصدی این گروه ها در شرکت ها افزایش پیدا می کند، روابط بین آن ها و مدیران شرکت ها نیز بهبود پیدا کرده و حسابرسان خارجی دیدگاه کامل تری نسبت به فعالیت های شرکت ها پیدا می کنند. تمامی این موارد می تواند منجر به افزایش انگیزه های دستکاری سود در نتیجه روابط نزدیک حسابرسان با مدیران شرکت را شود. اما با تغییر حسابرس خارجی و ورود حسابرسان جدید، این روابط چندان نزدیک نبوده و در نتیجه مدیران شرکت ها تمایل کمتری به فعالیت های دستکاری سود دارند که در نتیجه تمامی این موارد می تواند منجر به کاهش هزینه های تامین مالی از طریق بدهی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شود. این یافته ها سازگار با نتایج پژوهش مغانی و محمدی (۲۰۱۶)، تیکسیرا گومز (۲۰۱۴) و سعیدی و همکاران (۱۳۹۴) می باشد.

پیشنهادهای

نتایج این تحقیق قابل استفاده برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و تحلیل گران و تمام افراد و سازمان هایی است که به نوعی با فعالیت سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار درگیر هستند مفید باشد. با توجه به نتیجه به دست آمده برای فرضیه اول پژوهش پیشنهاد می شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران و کلیه سازمان های نظارتی همانند سازمان حسابرسی، شرکت ها را براساس شاخص های مدیریت سود رتبه بندی نمایند تا استفاده کنندگان صورت های مالی درک مناسب تری نسبت به فعالیت های شرکت ها داشته باشند. با توجه به نتیجه به دست آمده برای فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می شود سیاست گذاران و ناظران شرکت ها خصوصا مدیران غیرموظف عضو هیئت مدیره و مالکان اصلی شرکت ها به منظور کاهش هزینه های تامین مالی توجه بیشتری به حسابرسی خارجی داشته باشند و در صورت لزوم به تغییر آن ها مبادرت ورزند.

اما برای انجام برخی تحقیقات همسو با این موضوع و هم چنین توسعه آن، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی اثر تعدیل گر نوع حسابرس خارجی و دوران تصدی آن بر رابطه بین مدیریت سود و هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی همین عنوان در بین شرکت های دارای اندازه متوسط و کوچک یا شرکت های دارای رقابت بازار محصول بالای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی به بررسی اثر دیگر متغیرهای مالی و حسابداری همانند اندازه و تعداد جلسات هیئت مدیره، وجود کمیته های حسابرسی و تخصص مالی مدیران بر هزینه تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود. در نهایت پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی اثر مدیریت سود بر دیگر متغیرهای مالی همانند ریسک نقدشوندگی، عملکرد اجتماعی شرکت و بازده مقطعی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود.

منابع

۱. امیری، هادی. محمدی خورزوقی، هاجر (۱۳۹۱)، تحلیل ارتباط بین تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۱۶، صص ۸۱-۶۱.
۲. پاک مرام، عسگر؛ شریفی، پریسا؛ عبدی، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر سهامداران نهادی بر هزینه های تامین مالی از طریق بدهی با تاکید بر نقش ساختار هیئت مدیره، دومین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار، صص ۱-۲۳.
۳. حاجیها، زهره. مقامی، فهیمه (۱۳۹۳)، تأثیر استراتژی متنوع سازی شرکتی بر هزینه بدهی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۷.
۴. سعیدی، علی؛ حسنی، محمد؛ یاسور علیپور، حسن (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر مکانیزم راهبری شرکتی بر هزینه تامین مالی، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، صص ۱-۱۶.
۵. سعیدی، علی؛ حمیدیان، نرگس؛ ربیعی، حامد (۱۳۹۲)، رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره هفدهم.
۶. شیخی، سعید (۱۳۹۳)، تأثیر افشا شاخص های کلیدی عملکرد مالی و مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر هزینه بدهی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش ملی مدیریت کسب و کار، همدان.
۷. غلامحسین؛ مهدوی، شهلا؛ ابراهیمی، (۱۳۹۲). "تغییر حسابرسان: چراغ قرمز یا سبز"، حسابرسان، شماره ۴۹، صص ۱۱۳-۱۲۱.
۸. نوروش، ایرج، میرحسینی، سیدعلی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
9. Jensen, M. C. (1986). Agency Cost of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers. American Economic Review, 76, pp: 323-329.
10. Scott W. R. (1997), "Financial Accounting Theory", Prentice Hall, Scarborough
11. Tanaka, T., (2014), "Corporate Governance and the Cost of Public Debt Financing: Evidence from Japan", Journal of THE JAPANESE AND INTERNATIONAL ECONOMIES, 51, 435-449.
12. Tsai, H and Chi chow, Z, (2009), "the relationship between institutional ownership and casino firm performance", Hospitality management Vo1. 26, PP. 517-530.